

جایگاه معلم در تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

نگرشی به موقعیت استادان و معلمان مدارس نظامیه

« محمدحسین ریاحی (*) »

مقدمه :

به طوری که در سده‌ی ششم و هفتم هجری در کشورهای اسلامی چه در شرق و یا غرب آن کمتر نقطه‌ای یافت می‌شد که از مدارس دینی و مراکز علمی خالی باشد و این دوره از حیث کثرت مدارس از مهم‌ترین دوره‌ها در تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی به‌شمار می‌آید .

مدارس نظامیه عموماً و نظامیه‌ی اصفهان و بغداد و نیشابور خصوصاً به‌نظر قاطبه‌ی مورخان و صاحب‌نظران در حکم نخستین مدارس عالیه و دانشگاه‌های اسلامی محسوب می‌شود .

این نهادهای آموزشی علاوه بر آن‌که در دنیای اسلام موجب تحولی شگرف در زمینه‌ی تأسیس و گسترش دامنه‌ی فعالیت مراکز علمی گردید، از نظر نظام اداری و آموزشی و تأثیر در برخی از رشته‌های علمی، سرمشقی شد برای دارالعلم‌های قدیم اروپایی که بسیاری از مقررات آن در دانشگاه‌های آن دیار معمول و متبع گردید. (۱)

به‌نوشته‌ی مرحوم استاد دکتر عبدالحسین زرین‌کوب : سالرنو ایتالیا قدیمی‌ترین دانشگاه اروپا، از تأثیر مدارس اسلامی خالی نبوده است و مراکز بزرگ دیگر مانند دانشگاه بولونیا در پاریس و نیز دانشگاه‌های مونپلیه و آکسفورد که همه بعد از قرن دوازدهم میلادی به‌وجود آمده، تأسیس آن‌ها مدتی بعد از دانشگاه‌های اسلامی بوده است. (۲)

این مراکز علمی در بسیاری موارد از روش‌ها و رسوم مستداول مدارس نظامیه سود جسته و بهره‌برداری نموده‌اند .

یکی از مهم‌ترین نکات مربوط به این نهادهای آموزشی که در حقیقت نمونه‌ی اعلا‌ی مؤسسات فرهنگی جهان اسلام می‌باشد، موقعیت معلمان و اساتید آن است .

در آیین والای محمدی (ﷺ) و سنت اسلامی بزرگداشت مقام عالم و احترام به‌معلم از وظایف انسانی هر فرد مسلمان شمرده می‌شود و کسانی که به این حرفه‌ی مقدس اشتغال دارند در نظام اجتماعی اسلام همواره از یک نوع احترام عمیق برخوردار می‌باشند. با وجود این از نیمه‌ی دوم قرن پنجم با پیدایش مدارس نظامیه و

یکی از ارزشمندترین مسائلی که باعث رشد و توسعه‌ی علوم و تمدن اسلامی گردید اهمیت خاص اسلام و شعائر این آیین الهی اعم از قرآن کریم، سنت نبوی (ﷺ) و سیره‌ی پیشوایان و بزرگان دینی نسبت به تعلیم‌دهندگان ، استادان و آموزگاران بوده که در صدد تقویت و توسعه‌ی بنیه‌ی فرهنگی و علمی جامعه بوده‌اند . بنابراین معرفی معلم و بررسی جایگاه آن در فرهنگ اسلامی بخصوص در اوج درخشش این تمدن خاصه در قرون سوم تا ششم هجری که دامنه‌ی علم و دانش در جهان اسلام وسعت یافت، قابل توجه است .

مسئلاً نقش معلم و سهم والای دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت نیز در شکل‌گیری چنین تمدنی سهم بسزا داشته است، چرا که به‌هنگام قرون وسطای اروپا، بیشترین سطح آموزش و شکوفایی علمی در بلاد مسلمین وجود داشته است .

بدین جهت لازم دیده شد با توجه به‌موضوع جایگاه معلم در فرهنگ اسلامی، به‌بررسی موقعیت معلمان و اساتید یکی از نهادهای مهم علمی و آموزشی جهان اسلام یعنی مدارس نظامیه پرداخته گردد . در ابتدا نگرشی خواهیم داشت به‌موقعیت و نحوه‌ی شکل‌گیری این مراکز آموزشی و تعلیماتی و نیز دایره‌ی وسعت و حدود آن، و سپس جایگاه معلمان و مدرسان آن، که امید است بتواند روشنگر زوایایی از نقش تعلیم و تعلم در تمدن عظیم اسلامی باشد .

مدارس نظامیه

نیمه‌ی دوم قرن پنجم هجری سرآغاز عصر جدید و دورانی شکوفا در تأسیس مدارس اسلامی گردید و با ابتکار خواجه نظام‌الملک طوسی (م ۴۸۵ ه.ق .) وزیر دانشمند سلجوقی مدارس شکل گرفت که چه در زمان حیات خواجه یا پس از آن مهم‌ترین نهادهای علمی و آموزشی دنیای اسلام به‌حساب می‌آمد ، به‌طوری که این مدارس چه در مرکز دولت مقتدر سلجوقی یعنی اصفهان یا مرکز خلافت عباسی چون بغداد و یا شهرهای مهم آن زمان مثل نیشابور، بصره، بلخ، آمل، مرو، هرات، بیت‌المقدس، حلب، دمشق، خوارزم، قونیه و ... تأسیس شد و به‌زودی رشد قابل توجهی یافت .



* - کارشناس ارشد تاریخ تمدن اسلامی و مدرس مراکز آموزش عالی فرهنگیان

نیاز شدید جامعه و دولت، بسیاری از مدرسان و معلمان از عالی‌ترین مزایای اجتماعی برخوردار گردیدند و دارای چنان نفوذ عمیقی در بین طبقات مردم و نزد خلفا و پادشاهان شدند که نظراتشان در غالب موارد در رتق و فتق امور صائب و مطاع بوده است. وقتی قائم خلیفه‌ی عباسی (۴۲۲-۴۶۷ ه. ق.) از دنیا رفت مردم نظر ابواسحاق شیرازی مدرس و معلم عالی‌مقدار نظامیه‌ی بغداد را در انتخاب خلیفه‌ی جدید قبول کردند و او المقتدی را به‌عنوان خلیفه انتخاب نمود. و این خلیفه چون در آشوب و درگیری بین حنابله و شافعیه و دخالت‌های ابوالفتح ابن‌ابی‌الیث نماینده‌ی ملک‌شاه در امور خلافت عاجز شد، ابواسحاق را به سفارت نزد ملک‌شاه و خواجه نظام الملک در خراسان فرستاد. ابواسحاق در این سفر با چنان استقبال پر شکوه و بی‌مانندی در شهرهای سر راه مواجه گردید که شرح آن در بیشتر کتب آن زمان ضبط شده است. شاه و وزیر مقدم وی را بسیار گرمی داشتند و او در حالی که موفق شده بود دست نماینده‌ی ملک‌شاه را از دستگاه خلافت عباسی کوتاه نماید به بغداد بازگشت. این دانشمند تا آن درجه مورد اکرام نظام الملک وزیر مقتدر سلجوقی بود که وقتی ابواسحاق از دنیا رفت در نامه‌ی شکوه‌آمیز به پسر خود مؤید الملک نوشت لازم بود به پاس تجلیل از مقام ابواسحاق، نظامیه‌ی بغداد یک سال تعطیل می‌شد.

مکانت معلمان و اساتید در تمام شهرها و مراکزی که مدارش نظامیه تأسیس شده بود به‌همین منوال بود. امام الحرمین جوینی در نیشابور، خاندان خجندی در اصفهان و آل سمعان در مرو و ابوالمحاسن رویانی در آمل همان منزلتی را داشتند که ابواسحاق در بغداد دارا بود. وقتی امام الحرمین معلم مشهور نظامیه‌ی نیشابور از دنیا رفت در وفاتش شورش عجیبی برپا شد به‌نحوی که بازارها بستند و قریب یک ماه هیچ‌کس دستار بر سر نگذاشت و حدود چهارصد تن از شاگردانش که همه از علما و رؤسای شهرها و بلاد دور و نزدیک بودند به‌عزای وی نشستند.

معلمان نظامیه که غالباً افضل علمای زمان خود بودند، پیش از دیگر بزرگان علمی و سیاسی در مراسم بیعت با خلیفه حضور می‌یافتند. و حتی کلیه‌ی اعمال و رفتارشان در ضمن حوادث تاریخی ثبت و ضبط شده است. ابن‌اثیر در وقایع ۴۷۹ ه. ق. نوشته: در این سال ابوالقاسم دبوسی (م ۴۸۲ ه. ق.) در حالی که از جانب نظام الملک فرمان تدریس نظامیه را داشت با چنان شکوهی به بغداد وارد گردید که کسی نظیر آن را در مورد هیچ معلم و فقیهی به‌یاد ندارد. (۶)

امام محمد غزالی در هنگامی که منصب تدریس نظامیه‌ی بغداد

را داشت از نظر علمی و جاه و مقام دنیوی و شهرت عالمگیر به حد اعلا‌ی درجه رسید و پیش از آن‌که به مقام و اعتبارات دنیوی پشت‌یا زند و در جرگه‌ی آزادگان درآمد در اختلاف میان ترکان خاتون زوجیه ملک‌شاه و خلیفه مقتدی واسطه شد تا کار آن‌ها به موافقت انجامید و هم او جزو بزرگانی بود که پس از وفات مقتدی در ۴۷۸ ه. ق. در تشریفات خلافت مستظهر شرکت نمود. (۷)

شهرت و آوازه‌ی غزالی در سال‌های تدریس در نظامیه به جایی رسیده بود که حتی در دیار مغرب وقتی یوسف بن تاشفین کوشید برای دفع مخالفان خویش و خلع فرمانروایان نالایق، از فقهای نام‌آور وقت دستاویزی بجوید. گذشته از قضات معروف آندلس لازم دید که از این فقیه مشهور شرق و معلم نظامیه‌ی بغداد فتوا بخواهد. (۸) غزالی کسی بود که از پرتو تحصیل و تدریس در مدارس نظامیه از پایین‌ترین مقام به‌عالی‌ترین درجات علمی و اجتماعی رسید و چنان منزلت رفیع و باشکوهی حاصل نمود که در دوره‌ی اسلامی برای دیگری دست نداد.

موارد دیگر ذکر شده با استفاده از اسنادهای تاریخی مبیّن وضعیت خاص و ویژه‌ی معلمان و اساتید در تمدن اسلامی خاصه در نهادهای آموزشی معروفی چون نظامیه‌ها است. امید است همین نکات تا اندازه‌ای توانسته باشد جایگاه و پایگاه آنان را در قرون نخستین اسلامی که اوج درخشش علم و دانش بوده است را بر ما روشن نموده باشد.

پی‌نوشت‌ها :

- ۱- رک: تاریخ عرب، ص ۶-۵۲۵؛ علم و تمدن در اسلام، ص ۶۳
- ۲- کارنامه‌ی اسلام، ص ۴۵
- ۳- مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، ص ۲۷۶
- ۴- همان
- ۵- مدارس نظامیه به‌نقل از طبقات سبکی، ص ۲۷۷
- ۶- الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۳۰۷
- ۷- ر، ک: غزالی‌نامه، صص ۱۳۰-۱۲۹
- ۸- فرار از مدرسه، صص ۶۱-۶۰

منابع :

- ۱- حتّی، فیلیپ خلیل، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پابنده، تهران: آگاه، ۱۳۶۶
- ۲- نصر، سیدحسین، علم و تمدن در اسلام، تهران: خوارزمی، ۱۳۵۹
- ۳- همایی، جلال‌الدین، غزالی‌نامه، تهران: هما و فروغی، ۱۳۶۸
- ۴- زرین‌کوب، عبدالحسین، فرار از مدرسه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹
- ۵- زرین‌کوب، عبدالحسین، کارنامه‌ی اسلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲
- ۶- ابن‌اثیر، کامل‌التواریخ، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ه. ق. ۱۹۷۹ م
- ۷- کسای، نورالله، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳

